

## تبیین موضع گیری های سیاسی حضرت زهرا علیها السلام در مسئله خلافت از دیدگاه روایات و گزارش های تاریخی

□ علی شیر افشاری \*

### چکیده

مقاله حاضر به سیره سیاسی فاطمه علیها السلام در مسئله خلافت از دیدگاه روایات تاریخی پرداخت که آن حضرت علیها السلام بر اساس تعالیم نبوی و حدیث ثقلین به خلافت صحابه اعتراض کرد. نیز بحث شد که ایستادگی فاطمه علیها السلام برابر خلافت با اعتراض کتبی و حضوری ادامه یافت و به دیدگاه محوری مخالف حاکمیت تبدیل گشت. مبارزه فاطمه علیها السلام با توسل به انواع شیوه های پیگیری حق طلبانه با خشم سیاسی افزون تر تداوم یافت تا این که حضرت علیها السلام ناچار شد باب گفتگوی بی فائده را ببندد از این رو تا آخر با مسوولان خلافت سخن نگفت جهت تاکید بر سیره چنین مبارزه به منع مخالفان در مراسم نماز و عدم رضایت به حضور در تشیع و دفن شبانه جنازه، وصیت کرد. هم چنین بحث شد که منابع مهم اهل سنت از جمله صحیحین و منابع دیگر به فراز مبارزاتی مهم فاطمه علیها السلام در قطع گفتگو با حاکمیت تصریح کرده اند.

مقاله با استفاده از منابع روایی اهل سنت در تحلیل موضوع با تحقیقات پیشین متمایز است که برای روشن شدن زوایای اعتراض فاطمه علیها السلام می تواند راهگشای پژوهش گسترده تر برای حق جویان تاریخ صدر اسلام باشد که هدف تحقیق در سیره فاطمه علیها السلام نیز تبیین همین سیره است.

واژگان کلیدی: اعتراض، خصمناک، فاطمه، خلافت، اهل سنت.

## مقدمه

بسیاری وقایع اسلامی در موضوع خلافت به دلیل منع تدوین حدیث آنچنان که باید به دست آیندگان نرسیده است روایت‌های صحیح در منابع فریقین دلالت می‌کند که اعتراضات برابر خلافت صحابه وجود داشته است و دختر رسول الله ﷺ فاطمه علیها السلام به عنوان شخصیت محوری، بیشتر از همه معترض بود از این رو تبیین سیره سیاسی زهرا علیها السلام در مسئله خلافت از دیدگاه اهل سنت مورد بحث قرار می‌گیرد که فاطمه علیها السلام چگونه با اعتراض خویش سیاست‌ها را به چالش کشید؟.

بحث تبیین اعتراض فاطمه علیها السلام به گونه‌ی مستند ضرورت دارد زیرا اعتراضات دلالت می‌کند که اداره خلافت در ادعای جانشینی پیامبر اسلام ﷺ مورد پذیرش دختر رسول الله ﷺ واقع نگردید اکنون ملاحظه شود شماری صحابه بر خلافت موافق بوده اند. شماری نیز آن رد کرده اند و عدم موافقت فاطمه علیها السلام، غیر قابل انکار است با نگاه انصاف، فاطمه علیها السلام عدل قرآن و اصغر الثقلین است خوشنودی رسول الله ﷺ خوشنودی فاطمه علیها السلام است که با اعتراض فاطمه چگونه است؟

سیره فاطمه علیها السلام شاخص راهنمایی است هرگاه چنان که ثابت شود حضرت با خلافت، اختلاف داشته است از منظر اعتقاد فاطمی نگریسته می‌شود که آیا فاطمه علیها السلام برای پس از پیامبر ﷺ سفارشی داشته است؟ کشف زویای سیره فاطمه برای پژوهنده نگاه متمایزی اعتقادی، مطالعات به پیدایش نگرش‌های جدیدی منتهی می‌شود که فایده‌ی مهمی به شمار می‌رود

تبیین سیره سیاسی فاطمه علیها السلام گرچه از گذشته‌ها بحث می‌شده است که آثاری گاه با دیدگاه شیعی یا تلفیقی از منابع شیعه و سنی پدید آمده است. اما بیشتر مباحث در این موضوع اعتراضات فاطمه علیها السلام را از دیدگاه منابع اهل سنت به گونه‌ای همه جانبه در منابع مهم مانند صحیحین و غیره نگریسته است که تحقیق حاضر از این لحاظ متمایز است. اکنون سیره سیاسی فاطمه علیها السلام و اعتراض آن حضرت علیها السلام برابر خلافت صحابه در دو قسمت بیان می‌گردد.

### قسمت اول: اعتراض سیاسی ضد خلافت

فاطمه علیها السلام در برابر خلافت علیه تصمیم سیاسی صحابه، ایستاد و اعتراض کرد؛ یادگار نسبی رسول الله (و نماینده دینی نبوت صلی الله علیه و آله با طرح استدلالی مطالبات در صحنه دادخواهی حق طلبانه تا آخر باقی ماند. و برخی منابع مهم این واکنش تاریخی مشهور را نقل کرده‌اند از این رو تحقیق حاضر به مواردی از اعتراض فاطمه علیها السلام به خلافت خلیفه اول در منابع اهل سنت می‌پردازد.

#### یک) اعتراض بر صحابه جهت فراموشی ولایت مولا

یکی از اسباب اعتراض فاطمه علیها السلام بر خلافت صحابه فراموشی امت نسبت به جایگاه ویژه هارونی امام علی در جانشینی پس از رسول الله صلی الله علیه و آله بود که صحابه به وصیت دینی رسول الله صلی الله علیه و آله عمل ننموده به مقام منصوب حضرت صلی الله علیه و آله احترام نگذاشتند به عبارتی دیگر بیشتر امت، مقام هارونی امام علی علیه السلام را در سفارش نبوت اسلام صلی الله علیه و آله از یاد برده‌اند؟

عمر اصبهانی (م: ۵۸۱هـ) به سند متصل از فاطمه بنت نبی صلی الله علیه و آله روایت کرد که وی علیها السلام به صحابه فرمود: آیا شما قول رسول الله صلی الله علیه و آله را فراموش کرده‌اید که آن حضرت صلی الله علیه و آله روز غدیر خم فرمود: هرکسی که من مولای او هستم علی مولای اوست و گفتار رسول الله صلی الله علیه و آله را از یاد برده‌اید که برای علی علیه السلام فرمود: تو برای من به منزله هارون نسبت به موسی هستی؟ بخاری و مسلم این روایت را نقل کرده‌اند. (نزهة الحفاظ ۱۴۰۶: ج ۱/ ص ۱۰۱-۱۰۲)<sup>۱</sup> همچنین ابن جزری (م: ۸۳۳هـ) که روایت حاضر به حدیث فواطم مشهور است آن را به سند بیشتر نقل کرد. (مناقب الأسد الغالب ۱۹۹۴: ص ۱۴ ش ۵)<sup>۲</sup>

کلام فاطمه علیها السلام با اعتراض مداوم جدی علیه، حاکمیت جامعه بیان شده است که هیچ تاویلی در آن با هدف مقابله با سیاست تصور نمی‌شود از این رو این روایت اعتراض سیره سیاسی فاطمه علیها السلام را برابر اوضاع زمان خویش تفسیر می‌کند.

#### دو) احتجاج حضرت به حدیث ثقلین

یکی از موارد اعتراض علیه خلافت، احتجاج فاطمه علیها السلام به حدیث ثقلین بوده است که مردم آن را شنیده بودند و معنای آن را نیز می‌دانستند که رسول الله صلی الله علیه و آله در لزوم وفاداری آنها به ثقلین [=

کتاب و عترت] تاکید ورزید و این امور از اهتمام آشکاری بود که هیچ کسی نمی توانست توصیه مشهور و عمومی رسول الله ﷺ را در لزوم تحقق این رویکرد انکار کند از این رو مردم به محوریت خلافت ثقلین ذهنیت مثبت داشتند از همین منظر فاطمه علیها السلام ابتدا آن را مورد استشهاد قرار داد و به عنوان سفارش پیامبر ﷺ در روزهای آخر حیات رسول الله ﷺ سخن گفت.

قندوزی روایت کرد که فاطمه زهرا علیها السلام گفت: شنیدم پدرم که حجره از صحابه پر بود در مرض احتضار فرمود: ای مردم نزدیک است که جانم آسان گرفته شود من سخنم را به شما گفته ام که در این باره از شما عذری پذیرفته نیست آگاه باشید من کتاب پروردگار و عترتم اهل بیتم را میان شما جانشین می گذارم. (ینابیع المودة لذوی القربی ۱۴۱۶: ج ۱/ ص ۱۲۴ ش ۵۶)<sup>۳</sup> روایت احمد می گوید که رسول الله ﷺ فرمود: من بین شما دو خلیفه را گذاشته ام که یکی کتاب خداوند و دیگری عترتم است (فضائل الصحابة لابن حنبل ۱۴۰۳: ج ۲/ ص ۷۸۶)<sup>۴</sup>

این روایت در ادامه نامه روز پنجشنبه ارزیابی می شود که حضرت ﷺ می خواست آن را بنویسد ولی به سبب عدم آمادگی صحابه بیت از اقدام کتابت، صرف نظر کرد. صحابه گفتند: کتاب خدا ما را کافی است اما این روایت با تاکید از کتاب خدا و عترت خبر می دهد که حضرت فاطمه علیها السلام آن را روایت کرد.

بدین ترتیب فاطمه علیها السلام همواره از وصیت به توجه مردم با محوریت ثقلین سخن می گفت و آنها را به این مهم آگاهی می بخشید که یکی از موارد مهم اعتراض فاطمه علیها السلام علیه خلافت به شمار می آید.

### سه) استدلال به توصیه رسول الله ﷺ در محوریت علی با قرآن

فاطمه علیها السلام در اعتراض به حاکمیت عربی که قدرت بین آنها به نحو توافقی گردش می کرد به نکته مهم دیگر اصرار ورزید و آن را سرلوحه مبارزه قرار داد. فاطمه علیها السلام رهنمود قرآن را بر اساس توصیه رسول الله ﷺ با محوریت علی علیها السلام یاد آور شد که سبب نجات عرب و بشر گردید و اگر عرب به وصیت آینده نگرانه ی رسول الله ﷺ عمل کند بایستی میراث آسمانی رسول الله ﷺ را با محوریت علی علیها السلام تفسیر نماید. و فاطمه علیها السلام جامعه را به این رهنمودها صادقانه توجه می داد.

فاطمه علیها السلام از شخصیت‌های ممتاز و راستگویی است که بایستی به سخن او گوش سپرده شود وی با ویژگی صدیقیت، حدیث محوریت دینی را هنگامی برای صحابه قرائت می‌کند که شاهد است محوریت سفارشی قرآن از همراهی ضروری با علی علیه السلام سلب شده است و جامعه بر رویکرد خاص کفایت تنهایی قرآن، اصرار می‌ورزد اما فاطمه علیها السلام پیام جدید را از لحظات آخر حیات رسول الله صلی الله علیه و آله روایت کرد که به محوریت اهل بیت و قرآن توصیه داشته است این نکته اعتراض مهم فاطمه علیها السلام بر مشروعیت خلافت محسوب می‌شود. قندوزی در همین باره روایت کرد که فاطمه علیها السلام فرمود:

رسول الله صلی الله علیه و آله [دست علی را گرفت و گفت: این علی با قرآن است قرآن نیز با اوست هرگز این دو از یک دیگر جدا نمی‌شوند تا کنار حوض کوثر با من باز گردند از شما می‌خواهم حق مرا در این دو مورد رعایت کنید. (ینابیع المودة ۱۴۱۶: ج ۱/ ص ۱۲۴ ش ۵۶)<sup>۹</sup>

یاد آوری حکم وصیت از طریق روایت فاطمه علیها السلام به صحابه اهمیت دارد چنان چه این توصیه‌ها مورد توجه قرار می‌گرفت حاکمیتی ایجاد می‌شد که با دیدگاه رسول الله صلی الله علیه و آله مطابقت داشت. اما موضع‌گیری فاطمه علیها السلام در این حال نشان می‌دهد: جهت حرکت حاکمیت مطلوب نیست از این رو فاطمه علیها السلام در هر فرصت کوشید که حقیقت‌های مکتوم را به امت برساند تا آنها با حاکمیت غیر مطلوب، همراهی نداشته به مسیر وصایت رسول الله صلی الله علیه و آله در نصب رهبری خلافت بازگشت واقعی نمایند.

#### چهار) درخواست نصرت از انصار

فاطمه علیها السلام برای تغییر وضع موجود برنامه درخواست نصرت از انصار را روی دست گرفت: ابن قتیبه (م: ۲۷۶هـ) می‌گوید: علی علیه السلام با فاطمه از منزل خارج شدند به سمت خانه‌های انصار رفتند و فاطمه علیها السلام از آنها برای امامت نصرت خواست که آنها در پاسخ می‌گفتند: دختر رسول الله صلی الله علیه و آله بیعت ما با این مرد انجام شد. اگر زوج و ابن عم تو پیشتر آمده بود ما روی نمی‌گردانیدیم. علی علیه السلام به آنها می‌فرمود: آیا جنازه‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله را ترک می‌کردم و به خاک نمی‌سپردم؟ با رهایی جنازه می‌آمدم تا برای مقام او منازعه می‌کردم؟ فاطمه علیها السلام گفت:

ابوالحسن کاری انجام نداد مگر سزاوار آن بود و خداوند حساب متخلفان را خواهد داد و از آنها بازخواست خواهند کرد. (الإمامة والسياسة ۱۴۱۸: ج ۱/ص ۱۶)<sup>۶</sup>

هم چنین ابن قتیبه چنین روایت می‌کند: بشیر بن سعد انصاری گفت: یا علی! اگر پیش از بیعت ما با ابوبکر مردم انصار از شما این کلام را شنیده بود در حقانیت تو برای مقام خلافت دو نفر اختلاف نمی‌کردند. (الإمامة والسياسة ۱۴۱۸هـ: ج ۱/ص ۱۶)<sup>۷</sup> پس فاطمه عليها السلام به صورت عمومی و خصوصی مقابل جامعه اعتراض کرد و از آنها نسبت به تغییر اوضاع یاری خواست اما انصار به گونه‌ی خاص از آمادگی به تقاضای یاری دختر رسول الله صلى الله عليه وآله سرباز زد و آن را کمک نرساند.

### پنج) مطالبه اموال

پس از آن که اموال ارثیه‌ی دختر رسول الله صلى الله عليه وآله مصادره شد فاطمه عليها السلام جهت استرداد آن اعتراض کرد. بخاری می‌نویسد: فاطمه بنت نبی صلى الله عليه وآله طی ارسال نامه به ابوبکر میراث خویش را خواست که از غنایم مصالحه مدینه و فدک و باقی مانده خمس خیبر بود. (صحیح البخاری: ج ۴/ص ۱۵۴۹ ش ۳۹۹۸)<sup>۸</sup> روایت می‌گوید که فاطمه عليها السلام در آغاز امر به ارسال نامه اقدام کرد. اما زمانی که پیگیری مطالبات موثر واقع نشد بر اعتراض خویش شدت بخشید با جمع بیشتر بنی هاشم نزد ابوبکر رفتند.

بیهقی روایت می‌کند: فاطمه و عباس خواستار میراث خویش از ابوبکر شدند که باغ فدک و سهم خیبر بود. (سنن البیهقی الکبری ۱۴۱۴: ج ۶/ص ۳۰۰)<sup>۹</sup> اما فدک به ذوی قربی رسول الله صلى الله عليه وآله بخشیده شده بود. طاهر مقدسی (م: ۵۰۷هـ) می‌گوید: هنگامی که آیه «وآت ذی القربی» نازل شد رسول الله صلى الله عليه وآله فدک را برای فاطمه عليها السلام بخشید. (ذخیره الحفظ ۱۴۱۶: ج ۴/ص ۱۹۸۷ ش ۴۵۷۰)<sup>۱۰</sup>

محلله‌ی فدک با برای خلافت ضمن برخورداری از اهمیت سیاسی نماد توانایی اقتصاد نیز شناخته می‌شد. اما بعدا که مبارزات طولانی شد معنای آن نیز گسترش یافت و به تمام ساحات مناطق اسلامی اطلاق گردید:

در نقل زمخشری (م: ۵۳۸هـ) آمده است که هارون الرشید به موسی بن جعفر علیه السلام گفت: یا ابوالحسن! برای ما حدود فدک را تعیین کنید تا به شما باز گردانم. امام کاظم علیه السلام گفت چنین نخواهید کرد. هارون رشید اصرار ورزید امام علیه السلام بناچار فرمود: من حدود فدک را می‌خواهم نه بیشتر؛ رشید گفت: حدود آن چیست؟ حضرت علیه السلام فرمود: حد اول آن «عدن». حد دوم آن «سمرقند». حد سوم آن «افریقا». و حد چهارم آن دریای «ارمنستان»؛ رشید گفت: با این ترتیب چیزی برای ما نمی‌ماند. وی تصمیم گرفت که امام را بکشد. (ربیع الأبرار: ج ۱ / ص ۴۷)<sup>۱۱</sup> از این رو فاطمه علیها السلام با اعلام غیر قانونی بودن مصادره‌ی فدک و دیگر اموال بیت نبوت صلی الله علیه و آله با دو شیوه پیگیری از طریق نامه نگاری و حضور نزد ابوبکر با همراهی عباس رسمیت حقوقی آن را در دادگاه تاریخ تثبیت کرد و برخی روایت‌ها حضور حضرت علی علیه السلام را نیز در دادگاه نقل کرده‌اند.

اما برخی نگاه‌ها، به اعتراض فاطمه علیها السلام علیه ابوبکر نمی‌پردازند یا برای آن وجوه تاویلی در نظر گرفته‌اند که چنین تاویلات مفید نبوده بلکه اعتراض فاطمه جدی است حتی آن حضرت علیها السلام پس از نامه نگاری با سیره عملی مطالبات را پیگیری نمود که این سیره حضرت علیها السلام نیز بخشی از مبارزه سیاسی او شمرده می‌شود.

### شش) وقوع مشاجره

اعتراض فاطمه علیها السلام علیه حاکمیت به مشاجره غیر قابل پیش‌بینی تبدیل گردید که مورد انتظار نبود محدثان علوم اسلامی در این باره با ملاحظه گزارش داده‌اند: مشاجره فاطمه علیها السلام با خلافت صحابه محورهای داشته است که گاهی با نام صدقات مطرح شد چنان که خلیفه اول در روایتی گفت: بین من و شما درباره صدقات مشاجره واقع شد (جامع الأحادیث: ج ۱۳ / ص ۸۷).<sup>۱۲</sup> گاهی با نام اموال که بخاری در روایتش گفت: *أَمَّا الَّذِي شَجَرَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ مِنْ هَذِهِ الْأَمْوَالِ (صَحِيحُ الْبُخَارِيِّ ۱۴۰۷: ج ۴ / ص ۱۵۴۹ ش ۳۹۹۸)* درباره‌ی اموال بین من و شما مشاجره بود.

اما مشهورترین مورد اعتراض فاطمه علیها السلام مشاجره ارث است که پرسش‌های را مطرح کرد: فاطمه علیها السلام برای ابوبکر گفت: شما گمان می‌برید که مطابق دین اسلام ارث نمی‌بریم؟ آیا

مطابق احکام جاهلیت حکم می‌کنید؟ چه حکمی بهتر از حکم خداست برای قومی که به آن حکم یقین دارند. ای گروه مسلمان مهاجر؛ آیا او از ارث پدرش محروم است؟ ابن قحافه! از حکم کتاب خود داری کردی؟ تو از قدرت ارث می‌بری من نمی‌برم؟ سخن نامناسب گفته ای آن که چنین سخن ناحق ادعا کند روسپاه باد که در حشر پروردگار را دیدار خواهی کرد و محمد ﷺ حاکم ناظر و داور نیکو است. (التذکرۃ الحمدونیة ۱۹۹۶م: ج ۶/ ص ۲۵۷) ۱۳

اما اعتراض فاطمه که به مشاجره منتهی شد که نمی‌تواند ناصواب باشد زیرا درباره صدق فاطمه عَلِیْهَا السَّلَام عایشه می‌گوید: من کسی را راستگوتر از فاطمه ندیده ام. (مجمع الزوائد ۱۴۱۴: ج ۹ / ص ۲۰۱) ۱۴ همچنین او می‌گوید: من از فاطمه جز پدرش کسی را صادق تر ندیده ام. (مرقاة المفاتیح ۱۴۲۲هـ: ج ۱۱ ص ۲۹۲) ۱۵ اما صدیقه ابن صدیق تکذیب گردید. چرا؟ آیا فاطمه بدون استحقاق، ادعای مطالبه حقوق کرد. آیا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان حکم فدک را از دخترش دریغ نموده وی را در بی‌خبری گذاشته بود؟ در صورتی که عایشه روایت کرد فاطمه از حیث کلام کامل‌ترین امت به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. (المستدرک علی الصحیحین ۱۴۱۱هـ: ج ۳/ ص ۱۶۷ ش ۴۷۳۲) ۱۶ فاطمه نزدیک‌ترین راوی صادق - به حدیث رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بود

بدین ترتیب تلاش فاطمه عَلِیْهَا السَّلَام برای استیفای حقوق خویش وارد مرحله جدی تر شد که با مشاجره و درگیری لفظی و... منتهی گردید.

## هفت) خشم بر حاکمیت

حضرت فاطمه عَلِیْهَا السَّلَام از طریق استدلال و اعتراض بر نحوه تشکیل حاکمیت، خشم کرد. راویان حوادث خشم فاطمه را با کلمه «وَجَدْتُ» تعبیر کرده‌اند که در صحیحین (صحیح البخاری ۱۴۰۷: ج ۴/ ص ۱۵۴۹ ش ۳۹۹۸) و (صحیح مسلم: ج ۳/ ص ۱۳۸۰ ش ۱۷۵۹) ۱۷ [بخاری و صحیح مسلم] و منابع دیگر مانند: مسند احمد (مسند أحمد بن حنبل: ج ۱/ ص ۹ ش مسند عائشه ش ۵۵) و کتاب‌های تاریخی مانند: طبقات ابن سعد (الطبقات الكبرى: ج ۲ ص ۳۱۵) ۱۸ و غیره (مسند الشامیین ۱۴۰۵: ج ۴/ ص ۱۹۸) ۱۹ آمده است. برخی، با کلمه «غضب» قهر سیاسی را نقل کرده‌اند. هنگامی که ابوبکر در نقل انفرادی از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به فاطمه عَلِیْهَا السَّلَام گفت: ما [پیامبران] ارث نمی‌گذاریم آنچه از ما



می‌ماند صدقه است که این هنگام بنت رسول الله صلی الله علیه و آله بر وی غضب کرد. (صحیح البخاری ۱۴۰۷: ج ۳ ص ۱۱۲۶ ش ۲۹۲۶)<sup>۲۰</sup> این روایت در مصادری مانند: مسند احمد (مسند أحمد بن حنبل: ج ۱ ص ۶ / ش ۲۵)<sup>۲۱</sup> و غیره نیز آمده است. بیهقی نیز روایت کرد: پس از آن که ابوبکر به عباس و فاطمه علیها السلام گفت: من چنین کلامی را از رسول الله شنیده‌ام که ما ارث نمی‌گزاریم. فاطمه علیها السلام بر ابوبکر خشمناک شد. (سنن البیهقی الكبرى ۱۴۱۴: ج ۶ ص ۳۰۰)<sup>۲۳</sup> طبق احادیث صحیح فریقین، خشم فاطمه خشم رسول الله صلی الله علیه و آله است (صحیح البخاری ۱۴۰۷: ج ۳ ص ۱۳۶۱ ش ۳۵۱۰)<sup>۲۲</sup> با این که در روایت ابوبکر رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: محمد را در میان اهل بیت علیهم السلام آن حضرت احترام کنید (صحیح البخاری ۱۴۰۷: ج ۳ ص ۱۳۶۱ ش ۳۵۰۹)<sup>۲۴</sup>

با توجه به توصیه‌های عمومی و خصوصی رسول الله صلی الله علیه و آله در لزوم مراعات حرمت فاطمه علیها السلام، چنان که بیان گردید خشم رسول الله صلی الله علیه و آله برای خدا هست حاشا که خشم فاطمه علیها السلام برای دنیا باشد بلکه و دینی و معنوی خواهد بود از این رو فاطمه علیها السلام هرگز برای کسب دنیا خشمناک نشد و نمی‌شود از این رو خشم او خشم پیامبر صلی الله علیه و آله است. اگر چنین نباشد یعنی ناراحتی و غضب فاطمه علیها السلام بر امور دنیا باشد بر کلام نبی صادق صلی الله علیه و آله خدشه می‌شود که فرمود: هر نوع خشم فاطمه علیها السلام به طور مطلق، داری اعتبار الهی بوده است..

### هشت) نفرت از حاکم

پس از اعتراضات فاطمه علیها السلام علیه مقامات خلافت، وی سیره مبارزه را تغییر داد و آشکارا اظهار نفرت کرد. بخاری روایت کرد که فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله از مواجهه با ابوبکر دوری گزید: «فَهَجَرَتْ [فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ] أَبَا بَكْرٍ» (صحیح البخاری ۱۴۰۷: ج ۳ ص ۱۱۲۶ ش ۲۹۲۶) این خبر صحیح بخاری در «مسند احمد» (مسند أحمد بن حنبل: ج ۱ ص ۶ ش ۲۵)<sup>۲۵</sup> و «جوامع حدیثی» (جامع الأحادیث: ج ۱۳ ص ۲۴۷)<sup>۲۶</sup> و کتاب‌های «سیره» (سبل الهدی والرشاد ۱۴۱۴: ج ۱۲ ص ۳۷۱)<sup>۲۷</sup> نیز روایت گردیده است به علاوه شمار محدثان، گواهی داده‌اند که روایت در صحیحین است که شامل مسلم نیز می‌شود اما شگفت از نسخه موجود صحیح مسلم که این حدیث در آن دیده نمی‌شود مولف: کتاب اللوء لوء والمرجان فیما اتفاق علیه الشیخان از عایشه

روایت می‌کند که فاطمه بنت رسول الله ﷺ پس از عدم ترتیب اثر نامه‌ی ارسالی به خلافت، گفتگوها را با ابوبکر ترک کرد. (اللؤلؤ والمرجان: ج ۲ / ص ۴۴۷) <sup>۲۸</sup> حتی برخی شارحان صحیح مسلم به مشاجره بین فاطمه ﷺ و خلیفه اول می‌پردازد و در این باره به حدیث بخاری استناد می‌کنند که چنین روایت کرد. (فتح المنعم شرح صحیح مسلم: ۱۴۲۳ (ج ۷/ ص ۱۵۳) <sup>۲۹</sup> اما این روایت در صحیح مسلم هم بوده است که اکنون در نسخه موجود، موجود نیست.

بدین ترتیب نفرت از حاکمیت زمانی پدید آمد که اعتراضات فاطمه ﷺ و پیروان اهل بیت ﷺ ثمر نداد مشاهده شد حدیثی از طریق غیر شیوه اهل بیت برای دختر رسول الله ﷺ قرائت شد که صحنه اعتراض، تغییر کرد.

### نه) قطع ارتباط

برخی گزارش‌ها از قطع ارتباط اهل بیت با خلافت حکایت می‌کند هنگامی بیت رسول الله ﷺ محاصره شد فاطمه ﷺ برابر مهاجمان ایستاده با سخنان شدید الحنی آنها را عتاب قرار داد و اعلام کرد هیچ عهدی بین مهاجمان و بیت رسالت وجود ندارد از این رو برخی روایات، خبر قطع ارتباط بیت اهل بیت با طرف خلافت را از این مرحله گزارش داده اند. اکنون شرح واقعه به روایت مولف کتاب الامامه والسیاسة:

ابن قتیبه (م: ۲۷۶هـ) می‌گوید: فاطمه ﷺ بر باب خانه اش ایستاد و گفت: من هیچ عهدی نسبت به گروهی از شما ندارم که با شیوه ناروا این جا حاضر شده اید، در حالی که جنازه‌ی رسول الله ﷺ را ترک کرده ارتباط خود با رسول الله ﷺ را بریده‌اید ما را بحساب نیاورده هیچ حقی برای ما قایل نشده اید. (الإمامة والسیاسة ۱۴۱۸: ج ۱ / ص ۱۶) <sup>۳۰</sup> بدین ترتیب دیگر امکان ارتباط با بیت رسالت بر قرار نشد و فضای خشم بر روابط طرفین حاکم بود.

اما در کلام فاطمه ﷺ نسبت به موارد دیگر نکته بسیار مهم، برجستگی دارد که فرمود: من نسبت به شما عهدی ندارم؛ مطابق حدیث فریقین، مسلمانی نمی‌میرد مگر به امامی تعهد داشته باشد وگرنه به مرگ جاهلیت رفته است. بخاری روایت می‌کند: عن النبی ﷺ قال من رَأَى من أَمیره شیئاً یکرههُ فَلیصبرِ علیه فإنه من فارقَ الجَماعَةَ شِبراً فَماتَ إلامَاتٍ مِیتةً جَاهلیةً.

(صحیح البخاری ۱۴۰۷: ج ۶ ص ۲۵۸۸ ش ۶۶۴۶ و ۶۷۲۴) مسلم نیز مانند آن را نقل کرد. «عن النبی صلی الله علیه وسلم أَنَّهُ قَالَ مَنْ خَرَجَ مِنَ الطَّاعَةِ وَفَارَقَ الْجَمَاعَةَ فَمَاتَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (صحیح مسلم: ج ۳ / ص ۱۴۷۶ ش ۱۸۴۸).

مبارزه فاطمه علیها السلام خروج از طاعت و فارق امیر جماعت است چنان که اعلام کرد هیچ عهدی به شما ندارم آیا می‌توان گفت که راه فاطمه علیها السلام موافق امامت حاکم است؟ تردیدی نیست که فاطمه علیها السلام مشروعیت حاکم را به چالش کشید و حدیث حاضر، مسیر پیش رو را واضح کرد سرنوشت ثقل اصغر در جدایی از جماعت بسیار پیچیده می‌شود حتی می‌توان گفت که مبارزه آنها مقابل امامت انتخابی، چه حکمی می‌یابد؟ در سیره زهرا این رفتارها قابل تاویل نیست چنان که در حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله مسیر بی‌امامت، گمراهی جاهلیت است آیا طبق حدیث عموم مسلمین، بیت نبی در مسیر جاهلیت است؟ این موضع زهرا علیها السلام سیده نساء اهل جنت، پیشتر خبر نابودی مسیحیت در آمین مباحله آن حضرت تا مرز خطر سرنوشت ساز شنیده شده است که مسیحیان عقب‌نشینی کرده‌اند اکنون فاطمه علیها السلام با چنین جایگاه در بیعت کدام امامت قرار دارد؟ یا او چنان است که هرگز به امامی معتهد نیست اگر چنین باشد رفتن او از دنیا چه نسبتی با «میه»‌های بی‌امام جاهلی پیدا می‌کند؟ از این رو داوری برابر مواضع فاطمه علیها السلام، برای هرکس آسان نیست و قطع روابط او با علم به مواظبت از جایگاه امامتی که آخرت را تضمین می‌کند هرگز از نظر فاطمه علیها السلام دور نبوده است بایستی پاسخ آن را از تاریخ پیگیری کرد که او بر عهد کی بوده است بر عهد امام وصی یا منتخب مردم؟ و سبب قطع ارتباط او با خلافت چه بوده است؟

### ده) عدم گفتگو

پس از آن که فاطمه علیها السلام صدیقه تکذیب شد گویا ابوبکر حدیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله شنید که فاطمه یا عباس یا علی علیه السلام آن را نشنیده‌اند فاطمه علیها السلام در این مرحله گفتگوها را قطع کرد. بخاری روایت کرد که فاطمه علیها السلام هرگز با ابوبکر سخن نگفت. (صحیح البخاری ۱۴۰۷: ج ۴ / ص ۱۵۴۹) <sup>۳۱</sup> نووی گفت: سخن نگفتن فاطمه علیها السلام بدین معناست که وی درباره‌ی اموال یا ناراحتی،

حاجتی نخواست یا ضرورتی پیش نیامد که با ابوبکر سخن بگوید هرگز روایتی نیست که پس از آن واقعه بین آن دو ملاقاتی شده است فاطمه به ابوبکر سلام نداد و با او سخن نگفت. (فتح المنعم شرح صحیح مسلم ۱۴۲۳: (۷/ص ۱۵۳))<sup>۳۲</sup> روایت اخبار مدینه می‌گوید که فاطمه علیها السلام درباره استرداد اموال با ابوبکر سخن نگفت تا از دنیا رفت. (تاریخ المدینة المنورة ۱۴۱۷هـ: ج ۱/ص ۱۲۳)<sup>۳۳</sup> برخی روایت‌ها می‌گویند: روزهای بیماری فاطمه علیها السلام، شیخین به عیادت فاطمه علیها السلام رسیدند در این باره روایات دو دسته اند:

### الف) شنش ماه

حضرت فاطمه علیها السلام پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنش ماه زندگی کرد (صحیح البخاری ۱۴۰۷: ج ۴/ص ۱۵۴۹ ش ۳۹۹۸)<sup>۳۴</sup> ابوبکر مروزی از حیات فاطمه علیها السلام پس از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به کلمه مکث تعبیر نمود. (مسند ابی بکر: ج ۱/ص ۸۸).<sup>۳۵</sup> با نگاه دقیق تر اقامت فاطمه علیها السلام در دنیا با زمان‌های مختلف رسیده است در این بین روایت صحیح و مشهور منابع اهل سنت بر شنش ماه تاکید می‌ورزد که بسیاری عالمان حدیث آن را قبول کرده‌اند اما برخی روایت‌ها برای فاطمه علیها السلام پس از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم زندگی هشت ماهه نیز گزارش داده‌اند. (شرح النووی علی صحیح مسلم ۱۳۹۲: ج ۱۲/ص ۷۷)<sup>۳۶</sup>

مهم‌ترین اتفاق پس رحلت پدر برای فاطمه علیها السلام آن است که همگان اتفاق دارند نه علی علیه السلام نه فاطمه علیها السلام و نه هیچ کدام از بستگان بنی هاشم با حاکمیت خلافت، بیعت نکرده‌اند. در روایت صنعانی مردی برای زهری گفت: آیا کسی از بنی هاشم در شنش ماه با خلافت بیعت نمود؟ گفت: نه علی و نه هیچ یکی از بنی هاشم با خلافت بیعت نکرده‌اند. (مسند ابی بکر: ج ۱/ص ۸۸)<sup>۳۷</sup> سنن بیهقی. (سنن البیهقی الکبری: ج ۶/ص ۳۰۰) و تاریخ طبری نیز این خبر را روایت کرده‌اند. (تاریخ الطبری: ج ۲/ص ۲۳۶)<sup>۳۸</sup>

### ب) همیشه

روابط غیرحسنة اهل بیت و خلفاء با خشم متقابل همراه بود. در روایت بخاری این وضع تا زمانی است که فاطمه وفات کرد... (صحیح البخاری: ج ۴/ص ۱۵۴۹ ش ۳۹۹۸)<sup>۳۹</sup> عبارت دیگر

بخاری می‌گوید که فاطمه هرگز سخن نگفت تا مُرد. (صحیح البخاری: ج ۶ / ص ۲۴۷۴ ش ۶۳۴۷)<sup>۴۰</sup> از این رو خشم دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با خلافت تا وفات حضرت علیها السلام اتصال داشت چنان که ابن کثیر نیز این مطلب را نقل کرد. (السیرة النبویة لابن کثیر ج ۴ / ص ۵۶۷)<sup>۴۱</sup> بدین ترتیب قطع گفتگوها همیشگی بود و تا زمان رحلت فاطمه علیها السلام دوام داشت این امر به سبب اعتراض بر حاکمیتی بود که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله اعتقاد داشت امور جانشینی بایستی مطابق حدیث ثقلین به اهل بیت علیهم السلام تعلق گیرد.

## قسمت دوم: توصیه به اعتراض سیاسی ضد خلافت پس از حیات خویش

### الف) وصیت به دفن شبانه

از موارد دیگر تقابل استدلالی فاطمه علیها السلام، وصایت فاطمه علیها السلام در عدم حضور مخالفان بر جنازه بود. ابن قتیبۀ دینوری (م: ۲۷۶هـ) می‌نویسد: فاطمه علیها السلام وصیت کرد که بستگان فاطمه علیها السلام او را شبانه دفن کند تا ابوبکر نتواند به جنازه ی او بیاید. (تأویل مختلف الحدیث ۱۳۹۳: ج ۱ / ص ۳۰۰)<sup>۴۲</sup> ابن بطال قرطبی (م: ۴۴۹هـ) می‌گوید: علی بن ابی طالب فاطمه علیها السلام را شبانه دفن کرد که با چنین طریقی بتواند از خواندن نماز ابوبکر بر جنازه فاطمه علیها السلام جلوگیری کند. (شرح صحیح البخاری لابن بطال: ج ۳ / ص ۳۲۵)<sup>۴۳</sup> ابن شُبّه نمیری (م: ۲۶۲هـ) می‌گوید: هنگامی که علی علیها السلام فاطمه را دفن کرد ابوبکر را خبر نکرد علی بر آن نماز خواند. (تاریخ أخبار المدینة ۱۴۱۷هـ: ج ۱ / ص ۱۲۲).<sup>۴۴</sup>

مواجهه با خلافت و توصیه به دفن شبانه، از مهم‌ترین موارد اعتراض سیاسی بود که فاطمه علیها السلام به آن دست زد و بر اجرای دقیق آن اصرار ورزید. از این رو مردم از تیرگی روابط فاطمه علیها السلام با حاکمیت آگاه شدند که وی از خلافت ناراحت بوده بر حاکمیت خشمناک است اما برخی مانند ابن تیمیّه (م: ۷۲۸هـ) با انکار وصیت فاطمه علیها السلام می‌گوید:

هیچ کسی به شمول فاطمه، وصیت دفن شبانه فاطمه را - به سبب عدم توانایی بر اقامه نماز - نقل نکرد مگر جاهلی که اموری را به فاطمه نسبت می‌دهد در حالی که شایسته فاطمه نیست [چنین وصیت کند] به علاوه اگر چنین وصیت صحیح باشد می‌توان گفت: بهتر است

که از گناهان مغفور له ی او شمرده شود که با تلاش مشکور انجام شده است. (منهاج السنة النبویة ۱۴۰۶: ج ۴/ص ۲۴) <sup>۴۵</sup>

از این رو این تیمیه وصیت دفن شبانه را انکار کرد به علاوه با ادعای علم غیب آن را گناهی بخشیده شده نیز دانست که عجیب است چون می‌داند وصیت به دفن شبانه سبب پرسش بی‌پاسخ تاریخی برابر خلافت می‌شود که از دیدگاه رسول الله نمایندگی می‌کند از این رو برابر دیدگاه فاطمه علیها السلام چنین موقف عجیب را گرفت. بدین ترتیب یکی از اعتراضات مهم فاطمه علیها السلام در مبارزات سیاسی علیه خلافت، وصیت او به دفن شبانه بود که با ماموریت موفق امام علی علیه السلام انجام شد.

### ب) عدم اجازه اقامه نماز برای ابوبکر

از جمله موارد اعتراضی دیگر پس از حیات فاطمه علیها السلام عدم اجازه حضور صحابه در نماز جنازه فاطمه علیها السلام بود که این امر در اصل متوجه ابوبکر بود و طرف مبارزه به حساب می‌آید. ابن ابی الحدید به نقل از جاحظ (م: ۲۵۵هـ) می‌نویسد: شکایت و ناراحتی فاطمه (از خلافت) تا بدان حد رسید که وصیت کرد ابوبکر بر وی نماز نخواند. (شرح نهج البلاغه: ج ۱۶، ص ۱۵۷) <sup>۴۶</sup>

این روایت از طریق ابن ابی الحدید معتزلی (م: ۶۵۶هـ) رسید برخی گفته‌اند که وی شیعه بوده است از این رو سخنانش برای غیر شیعه نمی‌تواند حجت باشد اما چنین نگاه صحیح نیست زیرا: ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه کلماتی بکار برد که با نگاه شیعه مطابقت ندارد.

### ابن ابی الحدید معتزلی سنی یا شیعی؟

برخی گفته‌اند که وی از لحاظ اعتقادی شیعه است نه سنی؛ اما این ادعا صحیح نیست زیرا وی شیعه امامی نیست او در اصول، معتزلی و در فروع، حنفی است که با شیعه امامیه متفاوت است برخی که نسبت شیعه را داده‌اند به این سبب بوده است که وی فضایل اهل بیت علیهم السلام را نقل کرد گویا کسی که فضایل اهل بیت علیهم السلام را روایت کند برخی او را شیعه می‌خوانند همین امر سبب شد برخی درباره ابن ابی الحدید و دیگرانی مانند او گمان برند که ابی الحدید شیعه امامی است اما ابن ابی الحدید محب اهل بیت علیهم السلام بوده ضد اهل بیت رسول

اللهم بغض ندارد نه اینکه وی شیعه‌ی امامیه است؛ از همین رو ابن ابی الحدید در مواردی، تعبیری دارد که به تفاوت گرایش او می‌توان پی برد چنان که وی گفت: اصحاب ما چنین می‌گویند اما امامیه چنین می‌گویند. (شرح نهج البلاغه ۱۴۱۸هـ: ج ۱/ص ۶۸)<sup>۴۷</sup>: یا شیعه چنین گمان می‌برد. (شرح نهج البلاغه ۱۴۱۸هـ: ج ۱/ص ۱۶)<sup>۴۸</sup> یا تعبیری بکار می‌برد که گویا امام علی در فتوا و احکام شرعی، امام است نه در خلافت. (شرح نهج البلاغه ۱۴۱۸هـ: ج ۳/ص ۵۹)<sup>۴۹</sup>

با توجه به موارد از گفتار ابن ابی الحدید ثابت می‌شود که وی امامی نیست زیرا امامیه نمی‌گوید که شیعه چنین گمان می‌برد یا امام علی در فتوای شرعی امام است و در خلافت امام نیست ... از این رو نقل وصیت فاطمه علیها السلام در دفن شبانه روایت سنی است.

هم چنین ابن ابی الحدید می‌نویسد: پنهان ماندن زمان رحلت فاطمه (سلام الله علیها) و محل دفن او و نماز نخواندن ابوبکر و عمر و هر آن چه که سید مرتضی می‌گوید، مورد پذیرش من است؛ زیرا روایات در این موارد صحیح تر و بیشتر است همچنین ناراحتی و خشم فاطمه بر شیخین نزد من از اقوال دیگر، اعتبار بیشتر دارد. (شرح نهج البلاغه ۱۴۱۸هـ: ج ۱/ص ۱۷۰)<sup>۵۰</sup>

و چون وصیت فاطمه علیها السلام به دفن شبانه در جامعه اسلامی مفید پیام صریحی است. برخی علما در صدد کم رنگ کردن این وصیت شده‌اند. ابن تیمیه درباره وصیت دفن شبانه می‌گوید: اگر کسی بر انسانی ستم کند و انسان مظلوم برابر ستم او وصیت کند که ظالم بر او نماز نخواند چنین شیوه محمود نیست خداوند و رسول الله بدان وصیت نکرد پس چگونه قصد مدح فاطمه علیها السلام می‌شود در مثل این عمل که مدحی در آن نیست بلکه مدح در خلاف آن است که کسی وصیت نکند او را شبانه دفن نماید. (منهاج السنة النبویة ۱۴۰: ج ۴/ص ۲۴۸)<sup>۵۱</sup>

بدین ترتیب وصیت دفن شبانه از طریق نقل ابن ابی الحدید معتزلی معتبر است. هم چنین تلاش ابن تیمیه در اجتهاد به نفی وصیت سیاسی دفن شبانه برای پرهیز از پاسخ به داوری‌ها درباره چرایی چنین وصیت است به علاوه که غیر مستقیم به حضرت فاطمه علیها السلام حمله برده برای اعتراض او گناه تصور می‌کند سپس در جایگاه عفو چنین گناه، خود را صاحب نظر می‌داند اما تاریخ‌ناگفته‌های فراوان درباره حرکت دور اندیشانه سیاسی فاطمه علیها السلام پس از حیات آن بانو دارد.

### ج) ممانعت از آمدن عایشه بر جنازه فاطمه علیها السلام

به برخی ازواج اجازه داده نشد بر جنازه حضرت فاطمه علیها السلام حاضر شوند هنگامی که فاطمه علیها السلام از دنیا رفت اسماء بنت عمیس طبق وصیت فاطمه علیها السلام برخی را ممانعت نمود که بر جنازه فاطمه علیها السلام حضور یابد. بیهقی (م: ۴۵۸ هـ) روایت کرد که فاطمه علیها السلام به اسماء گفت: هرگاه وفات کردم تو و علی مرا غسل دهید هیچ کسی بر جنازه ام نیاید هنگامی که فاطمه علیها السلام از دنیا رفت عایشه آمد تا بر جنازه حضور یابد اما اسماء گفت: اجازه نداری که وارد شوی؟ عایشه نزد ابوبکر از اسماء شکایت کرد و گفت این زن «خشعمیه» (تفسیر مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۴ هـ: ج ۳ / ص ۵۲)<sup>۵۲</sup> بین من و دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حایل شد و برای فاطمه علیها السلام هودجی مانند عروس تهیه کرده است ابوبکر آمد نزد باب ایستاد و گفت: اسماء! چه امری سبب ممانعت ازواج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از ورود نزد دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شده است؟ برای فاطمه علیها السلام هودجی مانند عروس ساخته ای؟ اسماء گفت: فاطمه به من امر کرده بود که هیچ کسی بر جنازه ام وارد نشود. (سنن البیهقی الکبری ۱۴۱۴: ج ۴ / ص ۳۴ ش ۶۷۲۱)<sup>۵۳</sup> محب الدین طبری (م: ۶۹۴ هـ) می گوید: وصیت فاطمه به علی و اسماء چنین بود که او را غسل دهند و به این که اگر برای هر یکی آنها وصیت کرده باشد نیز جایز است. (ذخائر العقبی: ج ۱ / ص ۱۸۹۷)<sup>۵۴</sup>

اما چرا اسماء مانع شد تا عایشه به جنازه ی فاطمه علیها السلام حضور نیابد؟ پاسخ: دلیلی خاص دارد. زیرا عایشه از اسماء همکاری، بدهکار بود و آن زمانی بود که اسماء به خانه ی پیامبر در عروسی او را همراهی کرده بود این امر سبب مدارای عایشه با اسماء می شد اما اگر به خانه فاطمه کسی دیگری غیر از اسماء حضور می داشت آیا می توانست مانع ورود عایشه شود؟ آیا حضرت علی می توانست از آمدن عایشه مانع شود؟ شگفت این که بین تمامی زن های پیامبر علیها السلام چه کسی می توانست برای انجام وصیت مهم ممانعت از حضور دیگر زنان بر جنازه، غیر از اسماء مناسب باشد که از پس مقابله با ورود عایشه برآید؟ آری جزء اسماء دیگری نمی توانست باشد از این رو حضرت علی برای این مأموریت اسماء را موفق تشخیص داد اما عایشه برابر هرکسی که مخالف او بود می ایستاد حتی به آنها فحش می داد. (روح المعانی: ج ۵ ص ۱۰۰).<sup>۵۵</sup>



بدین ترتیب طبق وصیت فاطمه علیها السلام جهت اعتراض بر حاکمیت هیچ یکی از کسانی که با فاطمه علیها السلام مخالفت داشته‌اند نتوانستند بر جنازه او حضور یابند این موضوع یکی از اعتراضات پسا مرگ مبارزه حق طلبانه فاطمه علیها السلام محسوب می‌شود.

## نتیجه

از تحقیق حاضر یافته‌های زیر بدست آمد.

یک- فاطمه علیها السلام با استفاده از روش نامه‌نگاری و اقدامات عملی ضد حاکمیت اعتراض کرد. دو- روایت‌های تاریخی تصریح می‌کند که فاطمه علیها السلام خلافت را به رسمیت نشناخت و با یاد آوری توصیه‌های رسول الله صلی الله علیه و آله اساس حاکمیت را زیر سوال برد. سه - روایت‌ها دلالت می‌کند که فاطمه علیها السلام بر بنیاد خلافت، خشمناک شد و رهبران آن را ترک کرد و خشم فاطمه علیها السلام غضب رسول الله صلی الله علیه و آله است. چهار - حضرت به اعتراضات در زمان حیات خویش اکتفاء نکرد بلکه با وصیت دفن شبانه از حضور سران حاکمیت ممانعت کرد تا چنین افراد بر جنازه او حضور نیابند و این مبارزه با چنین مواجعات در تاریخ ثبت گردید.

## دو پیشنهاد

یک- با توجه به مواجعات مبارزاتی فاطمه علیها السلام با خلافت و اینکه خلیفه بر وی نماز نخواند آیا می‌توان گفت که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله از خلافت اسلامی رضایت داشته است؟ دو- این بحث طبق دیدگاه اهل سنت، مستندات افزون تری دارد که می‌توان در تحقیقات مفصل تر بدان دست یافت خاصه که موضوع اعتراض حضرت فاطمه علیها السلام در کتاب‌های فضایل اهل سنت آمده است این امر مهم برای پژوهندگان مبحث اعتراضی فاطمه علیها السلام بر خلافت می‌تواند افق‌های جدیدی را فرا رو قرار دهد.

## پی نوشتها

١. «حدثنا فاطمة بنت علي بن موسى الرضى حدثني فاطمة وزينب وأم كلثوم بنات موسى بن جعفر قلن حدثنا فاطمة بنت جعفر بن محمد الصادق قالت حدثني فاطمة بنت محمد بن علي حدثني فاطمة بنت علي بن الحسين حدثني فاطمة وسكينة ابنتا الحسين بن علي عن أم كلثوم بنت فاطمة بنت رسول الله ﷺ عن فاطمة بنت رسول الله ﷺ قالت ( أنسيتم قول رسول الله ﷺ يوم غدیر خم من كنت مولاه فعلى مولاه وقوله ﷺ لعلى أنت منى بمنزلة هارون من موسى ﷺ متفق عليه)».

٢. «كما حدثنا به شيخنا خاتمة الحفاظ أبو بكر محمد بن عبد الله بن المحب المقدسى مشافهة أخبرتنا الشيخة أم محمد زينب ابنة أحمد بن عبد الرحيم المقدسية عن أبي المظفر محمد بن فتيان بن المنى أخبرنا أبو موسى محمد بن أبي بكر الحفاظ أنا ابن عمه والدى القاضى أبو القاسم عبد الواحد بن محمد بن عبد الواحد المدينى بقراءتى عليه أنا ظفر بن راعى العلوى باستراباذ أنا والدى وأبو أحمد بن مطرف المطرفى قالا حدثنا أبو سعيد الإدريسى إجازة فيما أخرجه فى تاريخ استراباذ حدثنى محمد بن محمد بن الحسن أبو العباس الرشيدى من ولد هارون الرشيد بسمرقند وما كتبناه إلا عنه ثنا أبو الحسن محمد بن جعفر الحلوانى ثنا على بن محمد بن جعفر الأهوازى مولى الرشيد ثنا بكر بن أحمد البصرى حدثنا فاطمة بنت علي بن موسى الرضى [حدثنى فاطمة وزينب وأم كلثوم بنات موسى بن جعفر قلن حدثنا فاطمة بنت جعفر بن محمد الصادق قالت حدثنى فاطمة بنت محمد بن علي حدثنى فاطمة بنت علي]... حدثنى فاطمة وسكينة ابنتا الحسين بن علي عن أم كلثوم بنت فاطمة بنت النبى ﷺ ورضى عنها قالت أنسيتم قول رسول الله ﷺ يوم غدیر خم: من كنت مولاه فعلى مولاه وقوله ﷺ أنت منى بمنزلة هارون من موسى ﷺ هكذا أخرجه الحفاظ الكبير أبو موسى المدينى فى كتابه المسلسل بالأسماء وقال وهذا الحديث مسلسل من وجه آخر وهو أن كل واحدة من الفواطم»

٣. «فاطمة الزهراء ﷺ قالت: سمعت أبى ﷺ فى مرضه الذى قبض فيه يقول، وقد امتلأت الحجرة من أصحابه: أيها الناس يوشك أن أقبض قبضا سريعا وقد قدمت إليكم القول معذرة إليكم، ألا وإنى مخلف فيكم كتاب ربي (عز وجل) وعترتى أهل بيتى»

٤. «حدثنا أبو عمرو محمد بن محمود الأصبهاني جاز أبو بكر بن أبي داود نا على بن خشرم المروزي نا الفضل عن شريك هو بن عبد الله يعنى عن الركين عن القاسم بن حسان عن زيد بن ثابت قال قال رسول الله ﷺ إني قد تركت فيكم خليفتين كتاب الله وعترتى أهل بيتى وإنهما يردان على الحوض»

٥. «فاطمة الزهراء ﷺ قالت: سمعت أبى ﷺ فى مرضه الذى قبض فيه يقول، وقد امتلأت الحجرة من

أصحابه.... ثم أخذ بيد علي فقال: هذا علي مع القرآن والقرآن مع علي لا يفترقان حتى يردا علي الحوض فأسألكم ما تخلفوني فيهما».

۶. «خرج علي كرم الله وجهه يحمل فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله على دابة ليلا في مجالس الأنصار تسألهم النصره فكانوا يقولون يا بنت رسول الله قد مضت بيعتنا لهذا الرجل ولو أن زوجك وابن عمك سبق إلينا قبل أبي بكر ما عدلنا به فيقول علي كرم الله وجهه أفكنت أدع رسول الله صلى الله عليه وآله في بيته لم أدفنه وأخرج أنزع الناس سلطانه فقالت فاطمة ما صنع أبو الحسن إلا ما كان ينبغي له ولقد صنعوا ما لله حسيهم وطالبهم».

۷. «فقال بشير بن سعد الأنصاري لو كان هذا الكلام سمعته الأنصار منك يا علي قبل بيعتها لأبي بكر ما اختلف عليك اثنان».

۸. «أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتُ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله أَرْسَلَتْ إِلَى أَبِي بَكْرٍ تَسْأَلُهُ مِيرَاثَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِالْمَدِينَةِ وَفَدَكَ وَمَا بَقِيَ مِنْ حُمْسِ خَيْبَرَ».

۹. «أن فاطمة والعباس رضی الله عنهما أتيا أبا بكر يلتزمان ميراثهما من رسول الله صلى الله عليه وآله وهما حينئذ يطلبان أرضه من فذك وسهمه من خيبر».

۱۰. «حديث: لما نزلت: (وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ) دعا رسول الله (فاطمة، فأعطاهما فذك). رواه علي بن عباس: عن فضيل بن مرزو، عن عطية، عن أبي سعيد الخدري. وعلى ليس بشيء في الحديث» (الدر المنثور ۱۹۹۳: ج ۵ / ص ۲۷۴)

۱۱. «كان الرشيد يقول لموسى الكاظم بن جعفر: يا أبا الحسن خذ فذك حتى أرداهما عليك، فيأبى، حتى ألح عليه فقال: لا آخذها إلا بحدودها، قال: وما حدودها؟ قال: يا أمير المؤمنين أن حددتها لم تردها، قال: بحق جذك إلا فعلت، قال: أما الحد الأول فعدن، فتغير وجه الرشيد وقال: هيه، قال: والحد الثاني سمرقند، فاربذ وجهه، قال: والحد الثالث أفريقية، فاسود وجهه وقال: هيه، قال: والرابع سيف البحر مما يلي الخزر وأرمينية، قال الرشيد: فلم يبق لنا شيء فتحول في مجلسي؛ قال موسى: قد أعلمتك أنى أن حددتها لم تردها. فعند ذلك عزم على قتله».

۱۲. «فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: ... فَأَمَّا الَّذِي شَجَرَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ مِنْ هَٰذِهِ الصَّدَقَاتِ».

۱۳. «وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ لَا إِرْثَ لَنَا أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حِكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ 'إِيهَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمَةِ الْمَهَاجِرَةِ؛ أَلَبْتُمْ إِرْثَ أَبِيهِ؟ أَبِي اللَّهِ فِي الْكِتَابِ يَا بَنَ قِحَافَةَ، أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَلَا أَرِثَ أَبِيهِ. لَقَدْ جَنَّتْ شَيْئًا فَرِيًّا، فَدُونُكُمَا مَخْطُومَةٌ مَرْحُولَةٌ، تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ، فَنَعْمَ الْحَكْمَ لَهْ، وَالزَّعِيمَ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله».

۱۴. «قالت ما رأيت أحدا قط أصدق من فاطمة ورجالهما رجال الصحيح».

۱۵. «قالت عائشة: ما رأيت أحدا قط أصدق من فاطمة غير أبيها. (متفق عليه)».

۱۶. «عن أم المؤمنين عائشة رضی الله عنها أنها قالت ما رأيت أحدا كان أشبه كلاما وحديثا من فاطمة

برسول الله صلى الله عليه وسلم وكانت إذا دخلت عليه رحب بها وقام إليها فأخذ بيدها فقبلها وأجلسها في مجلسه هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه».

١٧. (شرح مشكل الآثار ١٤٠٨هـ: ج ١ / ص ١٣٧). (عمدة القارى: ج ١٧ / ص ٢٥٨). (معارج القبول ١٤١٠: ج ٣ / ص ١١٣٦)

١٨. «فوجدت فاطمة عليها السلام على أبى بكر».

١٩. «فوجدت فاطمة على أبى بكر فى ذلك»..

٢٠. «فقال أبو بكرٍ... فَعَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ».

٢١. «فَعَضِبَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ».

٢٢. «أن فاطمة والعباس رضى الله عنهما أتيا أبى بكر... فقال لهما أبو بكر سمعت رسول الله ﷺ يقول لا نورث ما تركناه صدقة... قال فغضبت فاطمة رضى الله عنها».

٢٣. «حدثنا أبو الوليد حدثنا بن عيينة عن عمرو بن دينار عن بن أبى مليكة عن المسور بن مخرمة أن رسول الله ﷺ قال فاطمة بضعة منى فمن أغضبها أغضبنى».

٢٤. «أخبرنى عبد الله بن عبد الوهاب حدثنا خالد حدثنا شعبة عن واقد قال سمعت أبى يحدث عن بن عمر عن أبى بكر رضى الله عنهم قال اذقوا محمداً ﷺ فى أهل بيته».

٢٥. «فَهَجَرَتْ [فاطمة عليها السلام] أبى بكر رضى الله عنه».

٢٦. «فَهَجَرَتْ [فاطمة] أبى بكر».

٢٧. فهجرت أبى بكر»..

٢٨. «فاطمة بنت رسول الله ﷺ، فهجرت أبى بكر».

٢٩. «وفى رواية البخارى "فغضبت فاطمة فهجرت أبى بكر فلم تزل مهاجرة حتى توفيت" وسيأتى فى فقه الحديث بقية لهذه المسألة».

٣٠. «فوقفت فاطمة رضى الله عنها على بابها فقالت لا عهد لى بقوم حضروا أسوأ محضر منكم تركتم رسول الله ﷺ جنازة بين أيدينا وقطعتم أمركم بينكم لم تستأمرونا ولم تزودوا لنا حقاً».

٣١. «فلم تُكَلِّمُهُ»

٣٢. «قال النووى: "فلم تكلمه" يعنى فى هذا الأمر أو لانقباضها لم تطلب منه حاجة أو لم تضطر إلى لقائه فتكلمه ولم ينقل قط أنهما التقيا فلم تسلم عليه ولا كلمته».

٣٣. «فاطمة رضى الله عنها فلم تكلمه فى ذلك المال حتى ماتت».

٣٤. «حتى توفيت. وعاشت بعد النبى ﷺ ستة أشهر».

٣٥. «فمكثت فاطمة ستة اشهر بعد رسول الله ﷺ»

۳۶. «وَأما كونها عاشت بعد رسول الله صلى الله عليه وآله ستة أشهر فهو الصحيح المشهور وقيل ثمانية أشهر».
۳۷. «فقال رجل للزهري فلم يبایعه على ستة أشهر قال لا ولا أحد من بنى هاشم».
۳۸. «أفلم يبایعه على ستة أشهر قال لا ولا أحد من بنى هاشم».
۳۹. «حتى تُوفِّيَتْ. وَعَاشَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ».
۴۰. «حتى مَاتَتْ»..
۴۱. «فلم تزل مهاجرة حتى توفيت».
۴۲. «أوصت [فاطمة] أن تدفن ليلاً لئلا يحضرها».
۴۳. «دفن علي بن أبي طالب زوجته فاطمة ليلاً، فَرَبَّهَا من أبي بكر أن يصلى عليها، كان بينهما شىء».
۴۴. «ولم يؤذن بها أبا بكر وصلى عليها على رضى الله عنه».
۴۵. «وما ذكره من إيصائها أن تدفن ليلاً ولا يصلى عليها أحد منهم لا يحكيه عن فاطمة ويحتج به إلا رجل جاهل يطرق على فاطمة ما لا يليق بها وهذا لو صح لكان بالذنب المغفور أولى منه بالسعى المشكور».
۴۶. «وظهرت الشكية، واشتدت الموجدة، وقد بلغ ذلك من فاطمة عليها السلام أنها أوصت أن لا يصلى عليها أبوبكر».
۴۷. «الجواب أما أصحابنا فإنهم لا يمتنعون من إطلاق العصيان عليه ويقولون إنها كانت صغيرة وعندهم أن الصغائر جائزة على الأنبياء وأما الإمامية فيقولون».
۴۸. «وتزعم الشيعة أنه خوطب في حياة رسول الله صلى الله عليه وآله بأمر المؤمنين».
۴۹. «روى ابن ديزيل قال حدثنا يحيى بن زكريا قال حدثنا علي بن القاسم عن سعيد بن طارق عن عثمان بن القاسم عن زيد بن أرقم قال قال رسول الله ص لا أدلكم على ما إن تساءلتم عليه لم تهلكوا إن وليكم الله وإن إمامكم على بن أبي طالب فناصره وصدقوه فإن جبريل أخبرني بذلك. فإن قلت هذا نص صريح فى الإمامة فما الذى تصنع المعتزلة بذلك. قلت يجوز أن يريد أنه إمامهم فى الفتاوى والأحكام الشرعية لا فى الخلافة».
۵۰. «أما إخفاء القبر، وكتمان الموت، وعدم الصلاة، وكل ما ذكره المرتضى فيه، فهو الذى يظهر ويقوى عندى، لأن الروايات به أكثر وأصح من غيرها، وكذلك القول فى موجدتها وغضبها».
۵۱. «أن إنساناً لو ظلمه ظالم فأوصى بأن لا يصلى عليه ذلك الظالم لم يكن هذا من الحسنات التى يحمد عليها ولا هذا مما أمر الله به ورسوله فمن يقصد مدح فاطمة وتعظيمها كيف يذكر مثل هذا الذى لا مدح فيه بل المدح فى خلافه كما دل على ذلك الكتاب والسنة والإجماع».
۵۲. «أسماء بنت عميس الخثعمية التى كانت امرأة جعفر ذى الجناحين».
۵۳. «أخبرنا أبو حازم الحافظ أنبأ أبو أحمد بن محمد الحافظ أنبأ أبو العباس محمد بن إسحاق الثقفى ثنا

قتيبة بن سعيد ثنا محمد بن موسى عن عون بن محمد بن علي بن أبي طالب عن أمه أم جعفر بنت محمد بن جعفر وعن عمارة بن مهاجر عن أم جعفر أن فاطمة بنت رسول الله ﷺ قالت يا أسماء... فإذا أنا مت فاغسليني أنت وعلى رضی الله عنه ولا تدخلی علی أحدا فلما توفيت رضی الله عنها جاءت عائشة رضی الله عنها تدخل فقالت أسماء لا تدخلی فشكت أبا بكر فقالت إن هذه الخثعمية تحول بيني وبين ابنة رسول الله ﷺ وقد جعلت لها مثل هودج العروس فجاء أبو بكر رضی الله عنه فوقف على الباب وقال يا أسماء ما حملك أن منعت أزواج النبي ﷺ يدخلن علی ابنة النبي ﷺ وجعلت لها مثل هودج العروس فقالت أمرتني أن لا تدخلی علی أحدا». ٥٤. «خرج الدولابي أيضا أن الوصية كانت إلى علی بأن يغسلها وأسماء ويجوز أن تكون أوصت إلى كل واحد منهما».

٥٥. «لما قالت عائشة في رهط اليهود القائلين له عليه الصلاة والسلام: السام عليك بل عليكم السام واللعنة أنه صلى الله تعالى عليه وسلم قال: لا تكوني فاحشة».

## کتابنامه

- لاستيعاب في معرفة الأصحاب، بن عبد البر، يوسف بن عبد الله بن محمد، علي محمد البجاوی، بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۲.
- الإمامة والسياسة، الدينوري، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة ۲۷۶هـ خليل المنصور، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۷م.
- تاريخ الطبري، الطبري، ابي جعفر محمد بن جرير الوفاة: ۳۱۰، دار الكتب العلمية، بيروت.
- تاريخ المدينة المنورة، النميري، أبو زيد عمر بن شبة البصري الوفاة: ۲۶۲هـ تحقيق: علي محمد دندل وياسين سعد الدين بيان، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۷هـ - ۱۹۹۶م.
- تأويل مختلف الحديث، الدينوري، عبدالله بن مسلم بن قتيبة أبو محمد الوفاة: ۲۷۶، محمد زهري النجار، دار الجيل، بيروت، ۱۳۹۳ - ۱۹۷۲.
- التذكرة الحمدونية، ابن حمدون، محمد بن الحسن بن محمد بن علي الوفاة: ۶۰۸هـ إحصان عباس، بكر عباس، دار صادر، الأولى، بيروت/لبنان، ۱۹۹۶م.
- تفسير مقاتل بن سليمان، بن سليمان، أبو الحسن مقاتل بن سليمان بن بشير الأزدي بالولاء البلخي الوفاة: ۱۵۰هـ أحمد فريد، دار الكتب العلمية الأولى، لبنان/ بيروت، ۱۴۲۴هـ - ۲۰۰۳م.
- جامع الاحاديث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير)، السيوطي، الحافظ جلال الدين عبد الرحمن الوفاة: ۹۱۱/، الاولى
- حدائق الأنوار ومطالع الأسرار في سيرة النبي المختار، الحضرمي الشافعي، محمد بن عمر بحرق الوفاة: ۹۳۰هـ محمد غسان نصوح عزقول، بيروت، دار الحاوي، الأولى، ۱۹۹۸م.
- الدر المنثور، السيوطي، عبدالرحمن بن الكمال جلال الدين الوفاة: ۹۱۱، بيروت، دار الفكر، ۱۹۹۳.
- ذخائر العقبى في مناقب ذوى القربى، الطبري، محب الدين أحمد بن عبد الله الوفاة: جمادى الآخرة / ۶۹۴هـ، مصر، دار الكتب المصرية.
- ذخيرة الحفاظ، لمقدسي، محمد بن طاهر الوفاة: ۵۰۷هـ عبد الرحمن الفريوائي، الرياض، دار السلف، الأولى، ۱۴۱۶هـ - ۱۹۹۶م.
- ربيع الأبرار، جار الله، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشري (المتوفى: ۵۳۸هـ)
- روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، الألوسي، أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود البغدادي الوفاة: ۱۲۷۰هـ بيروت، دار إحياء التراث العربي.

سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیرالعباد، الصالحی الشامی، محمد بن یوسف الوفاة: ٩٤٢هـ، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیة، الأولى، ١٤١٤هـ. سنن البیهقی الکبری، البیهقی، أحمد بن الحسین بن علی بن موسی أبو بکر الوفاة: ٤٥٨، محمد عبد القادر عطا، مكة المكرمة مكتبة دار الباز، ١٤١٤ - ١٩٩٤.

السیرة النبویة، ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی الدمشقی (المتوفی: ٧٧٤هـ)، شرح صحیح البخاری بن بطلال، القرطبی، أبو الحسن علی بن خلف بن عبد الملك بن بطلال البکری الوفاة: ٤٤٩هـ أبو تمیم یاسر بن إبراهیم، السعودیة/الریاض، مكتبة الرشد، الثانية، ١٤٢٣هـ - ٢٠٠٣م.

شرح نهج البلاغة، المدائنی، أبو حامد عزالدین بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحديد الوفاة: ٦٥٥هـ محمد عبد الکریم النمري، بیروت/لبنان، دار الکتب العلمیة، الأولى، ١٤١٨هـ - ١٩٩٨م. شرح النووی (صحیح مسلم)، النووی، أبو زکریا یحیی بن شرف بن مرى الوفاة: ٦٧٦، بیروت، دار إحياء التراث العربی، الثانية، ١٣٩٢.

شرح مشکل الآثار، الطحاوی، أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة الوفاة: ٣٢١هـ، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، لبنان/بیروت مؤسسة الرسالة، الأولى، ١٤٠٨هـ - ١٩٨٧م.

صحیح البخاری، البخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل أبو عبد الله الوفاة: ٢٥٦، مصطفى ديب البغا، الیمامة - بیروت، دار ابن کثیر، الثالثة، ١٤٠٧ - ١٩٨٧.

صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری الوفاة: ٢٦١، محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

الطبقات الکبری، الزهری، محمد بن سعد بن منیع أبو عبد الله البصری الوفاة: ٢٣٠، دار صادر، بیروت. عمدة القاری شرح صحیح البخاری، العینی، بدر الدین محمود الوفاة: ٨٥٥هـ، بیروت، دار إحياء التراث العربی

فتح المنعم شرح صحیح مسلم، لاشین، موسی شاهین، دار الشروق، الأولى، ١٤٢٣ فضائل الصحابة، الشیبانی، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد (المتوفی:

٢٤١هـ)، وصی الله محمد عباس، بیروت، مؤسسة الرسالة، الأولى، ١٤٠٣ - ١٩٨٣. اللؤلؤ والمرجان فیما اتفق علیه الشیخان، عبد الباقي، عبد الستار أبو غدة، الكويت، العصرية، ١٣٩٧هـ.

مرفاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، القاری، علی بن سلطان محمد الوفاة: ١٠١٤هـ جمال عیسانی، لبنان/بیروت، دار الکتب العلمیة، الأولى، ١٤٢٢هـ - ٢٠٠١م.



- مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، الهيثمي، أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان، حسام الدين القدسي، القاهرة، مكتبة القدسي، ١٤١٤
- المستدرک علی الصحیحین، حاکم، محمد بن عبدالله أبو عبدالله الوفاة: ٤٠٥ هـ، مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، الأولى، ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م.
- مسند أبي بكر، مروزي، أحمد بن علي بن سعيد الأموي أبو بكر الوفاة: ٢٩٢، شعيب الأرنؤوط، بيروت، المكتب الإسلامي مسند الإمام أحمد بن حنبل، الشيباني، أحمد بن حنبل أبو عبدالله الوفاة: ٢٤١، مصر، مؤسسة قرطبة.
- مسند الشاميين، الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الوفاة: ٣٦٠، حمدى بن عبدالمجيد السلفى، بيروت، مؤسسة الرسالة، الأولى، ١٤٠٥ - ١٩٨٤.
- المصنف، الصنعاني، أبو بكر عبد الرزاق بن همام الوفاة: ٢١١، حبيب الرحمن الأعظمي، بيروت، المكتب الإسلامي، الثانية، ١٤٠٣.
- معارج القبول بشرح سلم الوصول إلى علم الأصول، حكيم، حافظ بن أحمد الوفاة: ١٣٧٧، عمر بن محمود أبو عمر، الدمام. دار ابن القيم، الأولى، ١٤١٠ - ١٩٩٠.
- مناقب الأسد الغالب مُمزق الكتائب علي بن أبي طالب، ابن الجزري، شمس الدين، (المتوفى: ٨٣٣ هـ)، طارق الطنطاوى مكتبة القرآن، الأولى، ١٩٩٤.
- المنتقى من منهاج الاعتدال فى نقض كلام أهل الرفض والاعتزال، الذهبى، محمد بن عثمان الوفاة: ٧٤٨ هـ، محب الدين الخطيب.
- منهاج السنة النبوية، ابن تيمية، أحمد بن عبد الحلیم الحرانى أبو العباس الوفاة: ٧٢٨، محمد رشاد سالم، مؤسسة قرطبة، لأولى، ١٤٠٦.
- نثر الدر فى المحاضرات، الآبى، أبو سعد منصور بن الحسين الوفاة: ٤٢١ هـ، خالد عبد الغنى محفوظ، بيروت/البنان، دار الكتب العلمية، الأولى.
- زهة الحفاظ، المدينى، محمد بن عمر الأصبهاني أبو موسى الوفاة: ٥٨١، عبد الرضى محمد عبد المحسن، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية، الأولى، ١٤٠٦.
- ينابيع المودة لذوى القربى، القندوزى وفات: ١٢٩٤، سيد على جمال أشرف الحسينى، ايران، أسوه، ناشر: دار الأسوة للطباعة والنشر، الأولى، ١٤١٦ ق.

